

خشه و هياهو

● ایرج ورفی نژاد

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه اصفهان



■ **خشه و هیاهوی یک زندگی: خاطرات غلام یحیی**

دانشیان از فرقه‌ی دمکرات آذربایجان و حزب توده‌ی ایران

■ **نوشته‌ی: علی مرادی مراغه‌ای**

■ **تهران، نشر اوحدی ۱۳۸۸، چاپ اول، ۴۲۸ صفحه**

چکیده

کتاب **خشه و هیاهوی یک زندگی** اثر غلام یحیی دانشیان است که علی مرادی مراغه‌ای آن را از ترکی به فارسی برگردانده و مقدمه‌ای هشتاد صفحه‌ای نیز بر آن افزوده است. متن اصلی کتاب که همان خاطرات است، از دو بخش اصلی تشکیل شده: بخش اول خاطرات قبل از دوران مهاجرت دانشیان را دربرمی‌گیرد و بخش دوم رخدادهای دوران مهاجرت را شامل می‌شود. در نوشتار زیر کوشش بر آن است که ضمن معرفی و نمایاندن بخش‌های اصلی کتاب به نقد و ارزیابی آن پرداخته شود.

کلید واژگان: غلام یحیی دانشیان، حزب توده، فرقه‌ی دمکرات آذربایجان

مقدمه

دوران سلطنت قاجاریه را می‌توان سرآغاز گسست تاریخ ایران از گذشته‌ی خویش دانست که طی آن تاریخ ایران دیگر تنها بر پاشنه‌ی سنت‌های خویش نمی‌چرخید و افکار و اندیشه‌های جدید در سرزمین استبدادزده‌ی ایران رخنه نمود. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین این اندیشه‌ها را اندیشه و تفکر مارکسیسم^۱ دانست که بوق شیپورش در بیخ گوش ایران، اکثر دگراندیشان ایرانی را از خود بیخود کرده بود. یکی از این افراد غلام یحیی دانشیان بود که گرایشی از سر شیفتگی به مارکسیسم داشت. او از همان آغاز کودکی به تفکرات چپ علاقه پیدا کرد و این تعلق خاطر را تا پایان زندگی حفظ نمود. کتاب **خشه و هیاهوی یک زندگی**، این شیفتگی و علاقه را نشان می‌دهد. این کتاب هرچند با سانسور، مبالغه‌گویی و کاستی‌های دیگر همراه است، اما به درک ما از تاریخ معاصر ایران کمک می‌کند.

معرفی کتاب

کتاب **خشه و هیاهوی یک زندگی** همانگونه که گفته شد در اصل خاطرات غلام یحیی دانشیان بوده است که علی مرادی مراغه‌ای مقدمه‌ای برای روشن شدن شخصیت دانشیان بر آن افزوده است. پس از مقدمه، متن اصلی خاطرات قرار دارد و پس از آن کتابنامه، پیوست‌ها، نمایه‌ی کسان و تصاویر آورده شده است.

الف) مقدمه‌ی نویسنده: عنوان مقدمه‌ی نویسنده عبارت است از: **تحلیلی بر نیمه‌ی پنهان زندگی غلام یحیی دانشیان**. به نوشته‌ی علی مرادی مراغه‌ای، غلام یحیی دانشیان در سال ۱۲۸۵ خ/ ۱۹۰۶ م در خانواده‌ای فقیر در یکی از روستاهای سراب به دنیا آمد و در نوجوانی برای کار به همراه پدرش به باکو رفت. او خدمت سربازی را در ارتش شوروی به پایان رساند و درجه‌ی ستوانی گرفت. دانشیان هنگام اخراج ایرانیان از آذربایجان شوروی، روانه‌ی ایران شد؛ اما هنگام بازگشت به ایران، از سوی پلیس دستگیر شد و تا سال ۱۹۳۹ م/ ۱۳۱۸ خ در زندان اردبیل به سر برد؛ اتهام وی تبلیغ مرام کمونیستی و ضدولتی بود. نویسنده پس از پرداختن به زوایای شخصیت دانشیان، از تشکیل فرقه‌ی دمکرات

دوران سلطنت قاجاریه را می‌توان سرآغاز گسست تاریخ ایران از گذشته‌ی خویش دانست که طی آن تاریخ ایران، دیگر تنها بر پاشنه‌ی سنت‌های خویش نمی‌چرخید و افکار و اندیشه‌های جدید در سرزمین استبدادزده‌ی ایران رخنه نمود

خشه و هياهو

در سال ۱۳۶۵ درگذشت. (ب) متن خاطرات: پس از مقدمه‌ی نویسنده متن اصلی کتاب آغاز می‌شود. بنابر متن خاطراتِ غلام یحیی دانشیان، او در سال ۱۲۸۵ خ / ۱۹۰۶ م به دنیا آمد. پدرش برای تأمین مخارج زندگی ناگزیر به باکو مهاجرت کرده بود. در سال ۱۲۹۷ خ غلام یحیی و مادرش نیز راهی باکو شدند. در باکو دانشیان به کارگری در معدن مشغول شد و به زودی نماینده‌ی کارگران معدن شد. او سپس وارد کامسمول^۲ یا سازمان جوانان حزب کمونیست شد و اندکی بعد به حزب کمونیست آذربایجان شوروی پیوست. غلام در سال ۱۳۱۶ خ / ۱۹۳۷ م به ایران آمد و دستگیر شد. او تا سال ۱۳۱۸ در زندان به سر برد و پس از تحمل سختی‌های زندان، به روستای خویش تبعید شد اما به زودی آنجا را ترک کرد و به کار در راه‌آهن میانه مشغول شد. دانشیان سپس به شکلی بسیار حاشیه‌ای به جنگ جهانی

آذربایجان توسط پیشه‌وری سخن گفته است و سپس به جایگاه غلام یحیی دانشیان در فرقه اشاره می‌کند که پس از پیشه‌وری تأثیرگذارترین فرد فرقه بوده است. او سپس از اتحاد فرقه‌ی دمکرات آذربایجان با حزب توده‌ی ایران به رهبری دانشیان می‌نویسد. به نوشته‌ی علی مرادی مراغه‌ای، فرقه‌ی دمکرات آذربایجان با محوریت غلام یحیی دانشیان توانست بر تصمیمات حزب توده تأثیر بگذارد. دانشیان پیشنهاددهنده‌ی عزل ایرج اسکندی از ریاست حزب توده و جایگزینی نورالدین کیانوری در آستانه‌ی انقلاب ۵۷ بود که البته این کار را با توصیه‌ی روس‌ها انجام داد. پایان‌بخش مقدمه‌ی علی مرادی مراغه‌ای درباره‌ی سرنوشت غلام یحیی دانشیان است. به نوشته‌ی وی دانشیان در سال ۱۳۶۰، به علت کهولت و بیماری از کار سیاسی کناره گرفت و به صدر افتخاری فرقه بسنده کرد و مقام دبیر کلی به امیر علی لاهرودی رسید. دانشیان سرانجام



استالین، حامی اصلی فرقه دموکرات آذربایجان



سیدجعفر پیشه‌وری، مؤسس فرقه دمکرات

در بخش دوم خاطرات، وی به ملاقاتش با پیشه‌وری در آذربایجان و تلاش‌های فرقه برای سر و سامان دادن به کادرهای حزبی و تشکیلاتی و ترغیب فداییان به فراگیری فنون، سواد و بالا بردن دانش سیاسی خود می‌پردازد. او سپس به مرگ پیشه‌وری در سال ۱۹۴۷ م / ۱۳۲۶ خ بر اثر سانحه‌ی اتومبیل اشاره می‌کند. به نوشته‌ی وی، پس از آن بود که فرقه‌ی دمکرات آذربایجان در خارج از ایران تشکیل جلسه داد. او از اختلافات حزبی و تشکیلاتی فرقه خبر می‌دهد که این اختلافات با میانجی‌گری روس‌ها اندکی فروکش کرد. از آنجاکه انتخاب رهبر برای فرقه لازم می‌آمد، صادق بادگان عنوان رهبر و میرقاسم چشم‌آذر به عنوان معاون وی انتخاب شدند. کتاب سپس به جلسه‌ی هیأت نمایندگان حزب توده با فرقه‌ی دمکرات آذربایجان برای وحدت اشاره می‌کند. به عقیده‌ی دانشجویان هدف نمایندگان حزب توده از بین بردن فرقه و الحاق آن به

دوم می‌پردازد. او بدون آنکه به رضاشاه و تحولات عصر وی اشاره کند، به یک‌باره سخن از محمدرضا شاه می‌گوید. در جریان حوادث بعد از جنگ جهانی، او به دلیل همکاری نکردن با مأموران دولتی در امر جمع‌آوری اسلحه‌ی روستاهای سراب، به زندان افتاد و پس از چهل روز به زندان قصر قجر منتقل شد. پس از هفت ماه زندان، دانشجویان را برای تحقیقات محلی به زندان اردبیل منتقل کردند و دو سال دیگر را در زندان اردبیل به سر برد. دانشجویان پس از پایان اسارتش به فعالیت‌های تشکیلاتی و حزبی در سراب و میانه روی آورد. به نوشته‌ی دانشجویان از آنجا که تشکیلات میانه به سرپرستی او تحت نظارت کمیته‌ی ایالتی تبریز بود، به درخواست کمیته، وی به آنجا منتقل شد. وی سپس از آمدن پیشه‌وری^۳ از تهران به تبریز خبر می‌دهد که به قصد تشکیل فرقه‌ی دمکرات آذربایجان به تبریز آمده بود. یک ماه پس از پایه‌گذاری فرقه‌ی دمکرات آذربایجان^۴ کنفرانس ایالتی حزب توده‌ی آذربایجان شکل گرفت؛ در این کنفرانس، کمیته‌ی ایالتی حزب توده از حزب توده جدا شد و به فرقه‌ی دمکرات آذربایجان پیوست.

دانشیان در مقام عضویت فرقه، به شهرهای گوناگون آذربایجان سفر کرد تا از اوضاع عمومی آن‌ها مطلع شود. به نوشته‌ی وی، نخستین تلاش‌ها برای دست گرفتن کنترل آذربایجان در پی اقدام وی و افراد تحت امرش صورت گرفت. دانشجویان سراب و میانه را در سال ۱۳۲۴ به تصرف درآورد. پس از تصرف مناطق مزبور، پیشه‌وری وی را به تبریز فراخواند و او را مأمور به کنترل درآوردن این شهر نمود. بنابر خاطرات دانشجویان، آنان توانستند نظمیه، ژاندارمری و لشکر تبریز را به تصرف درآورند. آنان سپس ذوالفقاری (خان بخش‌هایی از زنجان) را بیرون راندند. دانشجویان سپس از رفتن نمایندگان آذربایجان به تهران برای مذاکره با مقامات تهران سخن می‌گویند، که طی آن قرار شد زنجان تخلیه و به حکومت تهران تحویل داده شود. او سپس به تحریم غذا و تحریک عشایر از سوی حکومت مرکزی اشاره می‌کند و سپس از اختلافاتش با سلام‌الله جاوید بر سر تخلیه‌ی زنجان سخن می‌گوید. دانشجویان از آمدن ارتش به زنجان به منظور تأمین امنیت انتخابات مجلس پانزدهم خبر می‌دهد. درحالی‌که همه چیز در خاطرات دانشجویان بسیار عادی پیش می‌رود، وی یک‌باره از ناپدید شدن پیشه‌وری و لزوم عقب‌نشینی فداییان از تبریز سخن می‌گوید. آنان در ۲۵ آذر ۱۳۲۵ تبریز را به مقصد آذربایجان شوروی ترک کردند.

این کتاب در اصل خاطرات غلام یحیی بوده است که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده و مترجم نیز مقدمه‌ای تاریخی بر آن نوشته است. از این رو، علی‌مردادی مراغه‌ای می‌بایست خود را به‌عنوان مترجم کتاب معرفی می‌کرد نه نویسنده

دانشیان در زمینه و بافت تاریخی ایران سخن نمی‌گوید. حوادث در خاطرات وی به گونه‌ای آمده است که خواننده هیچ ارتباطی بین آن‌ها و تاریخ ایران احساس نمی‌کند؛ گویی که دانشیان در مورد یک سرزمین و کشور مجزا حرف می‌زند

خشه وهیاهو

نقد کتاب

الف) مقدمه‌ی علی مرادی: مترجم کتاب که مقدمه‌ای در وصف حال غلام یحیی دانشیان نوشته است، انگیزه‌ی خود را از آوردن این مقدمه سرپوش گذاشتن بر بسیاری از حوادث به شکل عمدی یا سهوی از سوی غلام یحیی دانشیان می‌داند. (علی مرادی مراغه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱) آوردن این مقدمه، که بیش از تاریخی نگارنده را نیز نشان می‌دهد، از نقاط قوت کار علی مرادی است؛ به‌ویژه این که وی خواننده را با سال‌های واپسین زندگی دانشیان آشنا می‌کند. با این حال در مقدمه‌ی علی مرادی موارد قابل تأملی نیز وجود دارد که قابل ذکر است:

۱- این کتاب در اصل خاطرات غلام یحیی بوده است که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده و مترجم نیز مقدمه‌ای تاریخی بر آن نوشته است. از این رو، علی مرادی مراغه‌ای می‌بایست خود را به‌عنوان مترجم کتاب معرفی می‌کرد نه نویسنده؛ زیرا خواننده اینگونه احساس می‌کند که این کتاب یک اثر تحقیقی است که سرپا نوشته‌ی علی مرادی مراغه‌ای است.

۲- علی مرادی در معرفی منابع، مجلات، روزنامه‌ها و به‌طور مشخص وبلاگ‌ها را جزو «کتابنامه»، آورده است، در صورتی که همان‌گونه که از واژه‌ی کتابنامه برمی‌آید، این واژه تنها دربرگیرنده‌ی کتاب‌هاست. شایسته بود که مترجم به‌جای کتابنامه از «فهرست منابع» استفاده می‌کرد.

۳- نویسنده در مقدمه‌ی خود از واژگانی چون کمیترن^۵، کمینفرم^۶، انترناسیونالیسم^۷ و... استفاده کرده، اما توضیحی در باره‌ی آنان نداده است.

۴- علی مرادی در پیشگفتار خود، غلام یحیی دانشیان را «تأثیرگذارترین» فرد در حزب توده پس از اتحاد فرقه با حزب دانسته است (خاطرات دانشیان، ص ۱) در صورتی که این ادعا با واقعیات تاریخی صدق نمی‌کند. هرچند که دانشیان در مواردی بر تصمیمات حزب تأثیر داشته است، اما با وجود افرادی چون ایرج اسکندری، رادمنش، نوشین، یزدی، بهرامی، کشاورز، کامبخش، آوانسیان، طبری، کیانوری، روستا و... دانشیان نمی‌توانست «تأثیرگذارترین» فرد فرقه باشد.

۵- علی مرادی در مورد تأسیس حزب توده می‌گوید: این حزب و دستگاه رهبری آن از اول فاقد استقلال فکری و عملی بود و به تمامی معنی

حزب توده بود به گونه‌ای که پس از آن تنها نام حزب توده باشد و اثری از نام فرقه باقی نماند.

دانشیان سپس به صعود خود به رأس فرقه اشاره می‌کند و از دیدارهای خود با دبیران حزب توده یعنی رادمنش، ایرج اسکندری و کامبخش سخن می‌گوید که طی آن همگی بر ضرورت تشکیل یک حزب واحد مارکسیستی تأکید کردند. بنابراین توافق، فرقه راضی شد تا به عنوان کمیته‌ی ایالتی حزب توده فعالیت کند اما می‌توانست نام خود را همچنان حفظ کند. در مرامنامه‌ی حزب واحد نیز قرار شد که بر اهمیت تاریخی نهضت آذربایجان تأکید شود. پس از آن بود که کنفرانس وحدت در آگوست سال ۱۹۶۰ م / ۱۳۳۹ خ تشکیل شد. دانشیان سپس به اختلافات اعضای حزب توده و فرقه‌ی دمکرات آذربایجان می‌پردازد که قسمت پایانی کتاب را یک‌سره دربرمی‌گیرد. او استدلال‌های تعدادی از اعضای حزب را می‌آورد که همگی، اتحاد حزب توده با فرقه‌ی دمکرات آذربایجان را اشتباه می‌دانستند. به نوشته‌ی دانشیان، آنان حزب را جدایی‌طلب، بی‌ریشه و وابسته به شوری می‌دانستند. آنان همچنین دانشیان را فردی معرفی کردند که بیشتر دافعه دارد تا جاذبه. اما دانشیان همان‌گونه که این اتهامات را در کتاب خود مطرح کرده است، به‌طور مشروح به آن‌ها نیز پاسخ داده است و یکایک آن‌ها را بی‌پایه و اساس دانسته است. او این ادعا را که نهضت آذربایجان یک نهضت تحمیلی بوده رد کرد و آن را جنبشی عمیقاً مردمی به شمار آورد. همچنین از موضع شوروی به عنوان یک کشور کمونیستی دفاع کرد و احترام آن را لازم دانست. وی اتهام اداره کردن فرقه به شیوه‌ی دیکتاتوری را نیز رد کرد.

دانشیان در ادامه‌ی خاطراتش، از اختلافات دامنه‌دارش با نورالدین کیانوری و ایرج اسکندی سخن می‌گوید که این مشاجرات در نهایت سبب عزل غلام از ریاست فرقه و انتخاب آذر اوغلو شد. وی سپس به طور غیرمنتظره‌ای کتاب را با یکی از سخنرانی‌های خود به پایان می‌برد. پیوسته‌های کتاب در مورد فرقه‌ی دمکرات آذربایجان و گزارش ساواک از حزب توده و فعالیت آنان در خارج از کشور است. قسمت پایانی کتاب در برگیرنده‌ی تصاویری مبهم و بی‌کیفیت است.



افسران حزب توده

۱- مهم‌ترین نقدی که بر کتاب وارد است، این است که دانشیان در زمینه و بافت تاریخی ایران سخن نمی‌گوید. حوادث در خاطرات وی به گونه‌ای آمده است که خواننده هیچ ارتباطی بین آن‌ها و تاریخ ایران احساس نمی‌کند؛ گویی که دانشیان در مورد یک سرزمین و کشور مجزا حرف می‌زند. او جایگاه و موقعیت تاریخی حوادث را مشخص نکرده است و طبعاً خواننده نمی‌داند که در کجای تاریخ ایران ایستاده است. کتاب وی، که محدوده‌ی زمانی حکومت پهلوی را دربرمی‌گیرد، به حوادث مهم این دوران مثل حوادث عصر رضاشاه، جنگ جهانی دوم، اشغال ایران، خروج رضاشاه از کشور، روی کار آمدن محمدرضا شاه، حکوت محمد مصدق و ملی شدن صنعت نفت و... نمی‌پردازد. تمام این رخدادها بزرگ، بیش از دو یا سه سطر از کتاب دانشیان را در بر نمی‌گیرد. در واقع فرد با خواندن خاطرات دانشیان احساس می‌کند که در خلاء قدم می‌زند.

۲- مشکل بالا زمانی جدی‌تر به نظر می‌رسد که خاطره‌نویس در بسیاری از موارد، به‌ندرت به ذکر تاریخ رخدادها اشاره کرده است و انگهی تاریخی‌هایی که در کتاب آمده، اکثراً میلادی هستند و نویسنده از همسان‌سازی تقویم میلادی و خورشیدی خودداری کرده است.

۳- سانسور، پرده‌پوشی و عدم تعهد به بیان حقیقت از دیگر کاستی‌های خاطرات اوست. دانشیان با این بهانه که «من عضوی تشکیلاتی بوده‌ام و برخی قضایا جنبه‌ی سری و مخفی دارد» (علی مرادی مراغه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۹۰) از بازگو کردن بخش عمده‌ای از دانسته‌های خویش سرباز زده است. او از کنار رخدادها می‌گریزد که فرد مشتاق کسب آگاهی در باره‌ی آن‌هاست به راحتی می‌گذرد. به عنوان نمونه وی از حوادث شاخصی چون نقش روس‌ها در برپایی فرقه و کیفیت رابطه‌ی آن‌ها با فرقه، رابطه‌ی

کلمه، وابسته به انترناسیونالیست، کمونیست، کمینترن و کمینفرم بود و بدون چون و چرا از آن متابعت می‌کرد و در تمامی جریان‌های تاریخی ایران دنباله‌رو سیاست خارجی شوروی بود. (همان، ص ۱۴) این سخن مرادی با مستندات تاریخی سنخیت ندارد. حزب توده هرچند بعدها به حزبی مارکسیستی - لنینیستی تغییر ماهیت داد (امیر خسروی، ۱۳۷۵، ص ۷۰) اما در آغاز شکل‌گیری‌اش ماهیتی مارکسیستی نداشت و مستقل از سیاست روس‌ها پا به عرصه‌ی وجود گذاشت؛ (کشاورز، ۱۳۷۹، ص ۲۹۷ و نیز بزرگ علوی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷ و نیز اسکندری ۱۳۷۲، صص ۴۵۱-۴۵۲) هرچند که مارکسیست‌ها نیز در حزب وجود داشتند و رهبر حزب، سلیمان میرزا از همکاری با آنان ابایی نداشت. (زیبایی، ۱۳۴۳، ص ۱۴۸) با این حال، همان‌گونه که مازیار بهروز آورده است: «اساسنامه حزب به اساسنامه احزاب عضو کمینترن شباهت نداشت... واقعیت این است که این حزب در ابتدا به عنوان یک حزب کمونیست پایه‌گذاری نشد، یعنی هدف نهایی آن استقرار یک دولت سوسیالیستی نبود، بلکه به صورت یک جبهه‌ی متحد نیروهای ضدفاشیستی^۸ و طرفداران قانون اساسی شکل گرفت و در واقع نام توده بازتابی از این واقعیت بود.» (بهروز، ۱۳۸۰، ص ۳۶) بنابراین، برخلاف گفته‌ی علی مرادی، حزب در آغاز راهش و به‌طور مشخص در زمان رهبری سلیمان میرزا اسکندری، دارای ماهیتی کمونیستی نبود، بلکه یک جبهه‌ی وسیع دموکراتیک بود.^۹

ب) نقد خاطرات غلام یحیی دانشیان: خاطرات غلام یحیی دانشیان در خور نقد جدی است اما از آنجا که مجال سخن محدود است، در زیر به مهم‌ترین کاستی‌های آن اشاره می‌شود.

**کتاب خاطرات دانشیان را در بهترین حالت می‌توان
یک تاریخ محلی به حساب آورد که از وقایع ایران
چشم پوشیده و تنها به گوشه‌ای از خاک ایران یعنی
آذربایجان بسنده کرده است. مشخصه‌ی کتاب
دانشیان تعلق خاطر شدید وی به فرقه‌ی دمکرات
آذربایجان است**

خشه وهماهو

برکناری برخی از آن‌ها به خاطر «وضعیت غیرانسانی» اشاره‌ای گذرا می‌کند؛ اما هیچ‌گاه توضیح نمی‌دهد که آن اعمال و رفتار غیرانسانی چه بوده است. او به استثنای مورد بالا، در همه جا بر خطاهای فداییان چشم پوشیده و آن‌ها را ستوده است.

ع‌دانشیان در خاطراتش، خود را عنصری ملی و وطن‌پرست معرفی کرده است و از واژه‌ها و اصطلاحاتی چون «وطنمان»، «تاریخ سرزمین» و... استفاده کرده است. اما کارنامه‌ی زندگی‌اش این ادعا را پشتیبانی نمی‌کند. علی‌مرادی در مقدمه‌ی کتاب در این باره به درستی دانشیان را برخلاف کمونیست‌های اولیه‌ی حزب عدالت و مهاجرین وطن‌پرست ایرانی، فردی می‌داند که اطاعت کورکورانه از شوروی هرگز مجالش باقی نگذاشت که با سنت میهن‌پرستی آشنا شود. (همان، صص ۵ - ۶) دانشیان در خاطراتش فرقه‌ی دمکرات را یک حزب مارکسیستی - لنینیستی خوانده است، (همان، ص ۱۳۸) از لزوم بهره‌گیری از تجربیات شوروی سخن گفته و «آموختن از رفقای شوروی را موجب فخر و مباهات» دانسته است. (همان، ص ۳۲۰) فرقه بارها اعلام کرده بود که اگر حکومت تهران به فشارها و تهدیدات خود ادامه دهد، آذربایجان راه خود را جدا خواهد نمود. (اللهه کولایی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲) نظر به همین ملاحظات بود که در همان زمان بیشتر اعضای شاخص حزب توده، اتحاد با فرقه‌ی دمکرات را به دلیل ماهیت وابسته‌اش اشتباه می‌دانستند.^{۱۰} (همان، صص ۲۳۶ - ۲۵۰) از این رو به سختی می‌توان دانشیان را عنصری ملی به حساب آورد.

۷- خودشیفتگی و موجه و منطقی جلوه دادن خویش در خاطرات غلام یحیی دانشیان موج می‌زند. او در خاطراتش بارها از محبوبیت زیاد خویش در میان مردم، هجوم مردم برای دیدار با او سخن می‌گوید. (همان، صص ۱۱۷ - ۱۱۸) به نوشته‌ی او، گاهی اوقات پیشه‌وری در سخن گفتن با وی آنقدر متأثر می‌شد که نزدیک بود به گریه بیفتد. (همان، ص ۱۸۵) دانشیان در همه جای کتاب در قامت فردی ظاهر شده که خوب سخن می‌گوید، منطقی، جامع و مستدل حرف می‌زند و با استدلال‌های خویش مخالفانش را وادار به عقب‌نشینی می‌کند. (به عنوان نمونه بنگرید به: همان، صص ۲۳۵ - ۲۵۵) هرچند که ذات خاطرات ایجاب می‌کند خاطره‌نویس، محور نوشته‌ی خویش باشد، اما این خصلت در خاطرات

فرقه و حزب توده در زمان شکل‌گیری فرقه، رابطه‌ی فرقه‌ی دمکرات با حکومت خودمختار قاضی محمد در کردستان، چگونگی ورود ارتش به آذربایجان و واکنش مردم در برابر این قضیه، نقش روس‌ها در شکست فرقه و... کمترین اطلاعاتی به دست نمی‌دهد. درحقیقت می‌توان گفت که دانشیان بر وقایع، به اندازه‌ی اهمیتشان تأکید نکرده است.

۴- در خاطرات وی انتقال از یک مطلب به مطلب دیگر غیرمنتظره، ناگهانی و شدید صورت می‌گیرد؛ به نحوی که نظم منطقی و معقول و انتقال آرام از یک مطلب به مطلب دیگر دیده نمی‌شود. به عنوان نمونه وی به یک‌باره از اختلاف با کردها بر سر در اختیار گرفتن ارومیه سخن می‌گوید (همان، صص ۱۷۹ - ۱۸۲) بدون این که به اهداف و انگیزه‌ی کردها، روابط فرقه با کردها و پیشینه‌ی این اختلافات اشاره کند. یا این که از نظم و صمیمیت فوق‌العاده در کارها سخن می‌گوید، اما به یک‌باره از اختلاف پیشه‌وری و سلام‌الله جاوید و نیز اختلافات خودش با دکتر جاوید خبر می‌دهد. (همان، صص ۱۹۱ - ۱۹۲) او همچنین بدون پرداختن به عزم حکومت تهران برای در اختیار گرفتن آذربایجان، به صورت غیرمنتظره‌ای از ناپدید شدن پیشه‌وری و لزوم ترک تبریز سخن می‌گوید (همان، صص ۱۹۶ - ۲۰۰) بنابراین خواننده بدون هر پیش‌زمینه‌ای به صورت ناگهانی با رخداد‌های غیرمنتظره‌ای روبرو می‌شود.

۵- او همچنین در همه جای خاطرات خود، به تیره‌ی خود و دوستانش پرداخته است و به بهای سیاه جلوه دادن دیگران از خود و فدائیان تحت امرش چهره‌ای منطقی، وارسته و آراسته نشان داده است. دانشیان در همه جا خود را فردی نوع‌دوست، صلح‌طلب و روادار نشان می‌دهد. (همان، صص ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۹-۱۵۱ و ۱۵۷) با وجود این تلاش آشکار، حتی در متن خاطرات دانشیان می‌توان نمونه‌های از اعمال خشونت و قتل انسان‌ها مشاهده کرد. (همان، ص ۱۵۳ و ۱۶۴-۱۶۵) شعار او «خون در مقابل خون و مشت در برابر مشت» بود. (همان، ص ۱۳۶) دانشیان فداییان تحت امرش را افرادی معرفی می‌کند که «هدفی غیر از آزاد کردن وطن و خلق خود نداشتند» (همان، ص ۱۴۲) در صورتی که همین فداییان به نام دولت ملی آذربایجان مرتکب رفتارهای ناشایستی در حق هموطنان خود شدند تا جایی که دانشیان در قسمتی از خاطراتش به

- کولایی، الهه، ۱۳۷۶، استالینسیم و حزب توده‌ی ایران، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ورفی نژاد، ایرج، ۱۳۸۶، زندگی سیاسی سلیمان میرزا اسکندری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

پی‌نوشت

۱. Marxism اندیشه‌ای منتسب به مارکس که بر مبنای آن جنبش‌ها و حرکت‌های ساختار شکن گوناگونی در نقاط مختلف دنیا صورت گرفت.

2. Komsmol.

۳. پیشه‌وری در خلخال زاده شد و به همراه خانواده‌اش به قفقاز مهاجرت کرد. او پس از شرکت در جریان‌های انقلابی اکتبر ۱۹۱۷ به ایران آمد و به کمونیست‌های ایرانی در نهضت جنگل پیوست. سپس به تهران آمد و روزنامه‌ی حقیقت را منتشر ساخت. او پس از یک دوره اسارت، سرانجام در شهریور ۱۳۲۰ آزاد شد. بنگرید به: الهه کولایی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۰.
۴. به نوشته‌ی دانشیان تشکیل فرقه‌ی دمکرات در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ خورشیدی بوده است. بنگرید به: غلام یحیی دانشیان، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸.

۵. Comintern (Communist International)، نام اختصاری بین‌الملل کمونیست‌ها بود که در سال ۱۹۱۹ م در مسکو برقرار شد و اتحادیه‌ای بود از حزب‌های انقلابی مارکسیست که مخالف هرگونه رفرم‌خواهی و بهبودخواهی بود. در سال ۱۹۴۳ کمینترن منحل شد، اما پس از جنگ جهانی، برای مدت کوتاهی کمینفرم جای آن را گرفت. بنگرید به: داریوش آشوری، ۱۳۷۶، ص ۲۷۳.

۶. Cominform (Communist Information Bureau) دفتر اطلاعات احزاب کمونیست که در سال ۱۹۴۷ به منظور هماهنگ کردن فعالیت‌های احزاب کمونیست شکل گرفت و در سال ۱۹۴۸ یوگوسلاوی از آن اخراج شد. کمینفرم در آوریل سال ۱۹۵۶ پس از عادی شدن روابط شوروی و یوگوسلاوی سابق منحل شد. بنگرید به: آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹، ص ۹۶.

۷. International یا بین‌الملل: نام انجمن سازمان‌های کارگری و گروه‌ها و احزاب سوسیالیست بود؛ برای رسیدن به همیاری جهانی و پیش بردن جنبش و انقلاب کارگری در جهان. بنگرید به: داریوش آشوری، ۱۳۷۶، ص ۷۴.

۸. Fascism. اصطلاحی عام است که برای همه‌ی رژیم‌هایی به‌کار می‌رود که بر دیکتاتوری و ترور استوار هستند. فاشیسم بیانگر یک سیستم فراگیر توتالیتر است که انحصار قدرت و رسانه را در اختیار دارد. هدف فاشیسم برقراری دولتی است که در آن فقط یک حزب قدرت را دست داشته باشد و یک رهبر با ویژگی‌های فرماندهانه و با قدرت دیکتاتوری بر آن حکومت کند. بنگرید به: داریوش آشوری، ۱۳۷۶، صص ۲۳۵-۲۳۶.

۹. برای آگاهی از ماهیت حزب توده در سال‌های آغاز شکل‌گیری‌اش بنگرید به: ایرج ورفی نژاد، ۱۳۸۶، صص ۲۷۹-۲۸۶.

۱۰. حزب توده که در مظان اتهام وابستگی علیه فرقه‌ی دموکرات بود، بعدها در مسیر وابستگی آنچنان پیش رفت که بدون اجازه‌ی حزب کمونیست شوروی قدمی بر نمی‌داشت. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: الهه کولایی، صص ۱۲۱-۱۶۲.

دانشیان بسیار برجسته است. شخصیت دانشیان در خاطرات به‌مثابه کوهستانی عظیم است که تپه‌هایی ناچیز در اطراف خود دارد. حتی پیشه‌وری، رهبر جنبش، فردی مجسم شده که تک و تنها در کنج اتاقی عزلت‌گزیده و به دعا و تعریف و تمجید در حق دانشیان مشغول است.
۸. خاطرات دانشیان به شکلی بسیار ناقص پایان می‌پذیرد. وی که تا سال ۱۳۶۵ در قید حیات بوده است، خاطراتش را به شکلی کاملاً آشفته تا سال سال ۱۳۵۳ ادامه می‌دهد و کتاب را با یکی از سخنرانی‌هایش به پایان می‌برد؛ در حالی که انتظار خواننده هنوز برآورده نشده است. نه به سال‌های پایانی حکومت پهلوی اشاره شده و نه به جریان انقلاب اسلامی و نقش وی در عزل و نصب‌های حزب توده در این برهه.
با وجود این کاستی‌ها، باید از یک احتمال سخن گفت و آن این که ممکن است خاطرات دانشیان پس از مرگش از سوی رهبران فرقه‌ی دمکرات مورد حذف و اضافه قرار گرفته باشد. به‌ویژه این که به نظر می‌رسد کتاب از سوی رهبران فرقه‌ی دمکرات تأیید شده است، زیرا متن ترکی خاطرات که متن اصلی محسوب می‌شود، با مقدمه‌ی امیر علی لاهرودی صدر فعلی فرقه دمکرات نوشته شده است.

نتیجه‌گیری

کتاب خاطرات دانشیان را در بهترین حالت می‌توان یک تاریخ محلی به حساب آورد که از وقایع ایران چشم پوشیده و تنها به گوشه‌ای از خاک ایران یعنی آذربایجان بسنده کرده است. مشخصه‌ی کتاب دانشیان تعلق خاطر شدید وی به فرقه‌ی دمکرات آذربایجان است. او بارها از موجودیت فرقه در مقابل رهبران حزب توده دفاع کرد. بنابراین کتاب از حیث روشن نمودن مبارزات و فعالیت‌های فرقه و همچنین چالش‌های حزب توده با فرقه حائز اهمیت است. با وجود این، خاطرات دانشیان، گرفتار همان کاستی‌هایی است که بیشتر کتاب‌های خاطرات با آن‌ها دست به گریبانند.

منابع

- آشوری، داریوش، ۱۳۷۶، دانشنامه‌ی سیاسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مروارید.
- آقابخشی، علی و افشاری، مینو، ۱۳۷۹، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران، نشر چاپار.
- اسکندری، ایرج، ۱۳۷۲، خاطرات ایرج اسکندری، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- امیرخسروی، بابک، ۱۳۷۵، نظر از درون به نقش حزب توده ایران (نقدی بر خاطرات نورالدین کیانوری)، تهران، چاپ اول، انتشارات اطلاعات.
- بهروز، مازیار، ۱۳۸۰، شورشیان آرمانخواه: ناکامی چپ در ایران، مترجم مهدی پرتوی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- زیبایی، علی، ۱۳۳۳، کمونیزم در ایران، چاپ اول، تهران، بی‌نا.
- علوی، بزرگ، ۱۳۷۷، خاطرات بزرگ علوی، چاپ اول، به کوشش حمید احمدی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- کشاورز، فریدون، ۱۳۷۹، خاطرات سیاسی، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، تهران، نشر آبی.